

نمایشگان (هنر نمایش: نمایشنامه و نمایش) جنگی از جُستاره‌های پژوهشی

استاد دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی

چهره‌ی ماندگار، استاد ممتاز و نمونه‌ی کشوری - دانشگاه تهران



۱۳۹۲

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- : ناظرزاده کرمانی، فرهاد، ۱۳۲۶-
: نمایندگان (هنر نمایش: نمایشنامه و نمایش): جنگی از جستارهای پژوهشی / فرهاد ناظرزاده کرمانی؛
با مدیریت مجید سرسنگی؛ زیر نظر تماشاخانه‌ی ایران شهر، امیرحسین حریری و میرعلیرضا دریابیگی؛
به کوشش یوسف باپیری ... [و دیگران].
: تهران: انتشارات دریابیگی، ۱۳۹۲.
: ۷۹۶ص.
: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۶۱-۸-۰
: به کوشش یوسف باپیری، جواد نمکی، فرزاد صالحی، نسترن عشرتی.
: کتابنامه.
: جنگی از جستارهای پژوهشی.
: نمایشنامه - مقاله‌ها و خطابه‌ها
: نمایش - مقاله‌ها و خطابه‌ها
: سرسنگی، مجید، ۱۳۴۶-، سرپرست گردآورندگان
: دریابیگی، میرعلیرضا، ۱۳۵۶-، ناظر
: حریری، امیرحسین، ۱۳۶۰-، ناظر
: باپیری، یوسف، گردآورنده
: تماشاخانه‌ی ایران شهر
: ۱۳۹۲ ن ۸ / ۱۶۳۱ PN
: ۸۰۸/۲
: ۳۱۸۸۶۹۷



انتشارات دریاپیکی

دفتر پخش: خیابان شریعتی، روبروی خیابان ملک، بن‌بست صبری، پلاک ۲. تلفکس: ۰۲۱-۷۷۵۱۷۳۴۹

فروشگاه شماره ۱ (تماشاخانه باروک): دروس، بلوار شهزاد، خیابان یارمحمدی، بن‌بست نامدار، پلاک ۵. تلفکس: ۰۲۱-۲۲۵۶۱۹۵۶

فروشگاه شماره ۲ (تماشاخانه ایران‌شهر): خیابان طالقانی، خیابان موسوی شمالی، باغ هنر، جنب خانه‌ی هنرمندان ایران. تلفکس: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۶۰۰

نمایشگان (هنر نمایش: نمایشنامه و نمایش)

جُنگی از جُستاره‌های پژوهشی

استاد دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی

چهره‌ی ماندگار، استاد ممتاز و نمونه‌ی کشوری - دانشگاه تهران

سرپرست گردآورندگان: مجید سرسنگی

زیرنظر:

تماشاخانه‌ی ایران‌شهر، امیرحسین حریری و میرعلیرضا دریابیگی

به کوشش:

یوسف باپیری، جواد نمکی، فرناز صالحی، سحر نوری

با تشکر از: عباس اقسامی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

ویراستار: فرناز صالحی

طراح جلد: میرحسین دریابیگی

صفحه‌آرا: سحر تقوی

لیتوگرافی و چاپ: فرداد

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق مادی و معنوی این کتاب برای ناشر و تماشاخانه‌ی ایران‌شهر محفوظ است.

فهرست جُستاره‌های پژوهشی

مقدمه ۱۵

فصل اول: چشم‌اندازی به نمایش ایرانی

نقالی و گونه‌های آن در ایران (۱۳۶۷) ۲۱
 حمله‌خوانی: گونه‌ی مهمی از نقالی مذهبی در ایران (۱۳۷۸) ۲۸
 بررسی ساخت‌مایه‌های بیان نمایشنامه‌ای در خسرو شیرین نظامی گنجوی (۱۳۸۱) ۴۱
 نمایشگری‌های کاروانی در ایران: پژوهشی نظریه پردازانه (۱۳۸۲) ۶۶
 شرح حال ارباب معرکه در چهار فصل از «فتوت‌نامه‌ی سلطانی» به قلم «حسین کاشفی سبزواری» (۱۳۸۷) ۸۷

فصل دوم: چشم‌اندازی به نمایشگان (نمایشنامه و نمایش: هنر نمایش) ملت‌ها

تئاتر پُرمپی، پژوهشی درباره‌ی یک تماشاخانه‌ی رومی (۱۳۶۵) ۱۰۱
 تئاتر سیاه (نمایش آیینی- سنتی «یوروبایی» در نیجریه- آفریقا) (۱۳۶۷) ۱۱۶
 پژوهشی در زمینه‌ی نمایشنامه‌های ووله شوی اینکا (۱۳۷۰) ۱۲۸
 آشنایی با هنر تئاتر در هندوستان (۱۳۷۲) ۱۴۹
 آیین و مناسک و ادبیات گفتاری و هنر نمایش آفریقا (۱۳۷۳) ۱۶۰

فصل سوم: نمایشگان

و چرا نمایشنامه؟ (۱۳۶۷) ۱۸۵
 درآمدی به نمایشنامه‌شناسی (۱۳۶۸) ۱۸۸
 کتاتی پیرامون اهمیت تئاتر در جهان معاصر (۱۳۶۹) ۲۰۱

۲۰۳	 نکاتی پیرامون نمایشنامه و نمایشنامه‌نویس (۱۳۷۱)
۲۰۷	 تئاتر امروز جهان (۱۳۷۱)
۲۱۸	 نمایشنامه: گونه‌ی ادبی (۱۳۷۲)
۲۲۶	 مطالعه‌ای تطبیقی میان نمایشنامه و داستان (۱۳۷۳)
۲۵۸	 پژوهشی در زمینه‌ی ادبیات شبانی- روستایی (۱۳۷۴)
۲۶۸	 آشنایی با گونه‌ی «تراژدی- کمدی» (۱۳۷۶)
۲۷۲	 جستاری در زمینه نمایشنامه خواندنی (۱۳۷۷)
۲۸۶	 معنا در نمایشنامه و نمایش (۱۳۸۱)
۳۱۴	 دو جستاره پیرامون نمایشنامه خوانی نخست (۱۳۸۴)
۳۱۹	 جستاره پیرامون نمایشنامه خوانی دوم (۱۳۸۴)

فصل چهارم: پدید آورندگان هنر نمایش (نمایشگان) جهان

۳۳۱	 مسئله‌ی مضحکه، یا کمدی در آثار اوژن یونسکو (۱۳۵۵)
۳۳۶	 زمینه‌های فلسفی آثار ساموئل بکت (۱۳۵۵)
۳۴۶	 آنتونین آرتو و تئاتر مشقت (۱۳۶۹)
۳۵۴	 بزنگاه‌هایی از شناخت ساموئل بکت در ایران (۱۳۸۶)

فصل پنجم: نمایشگان و فلسفه

۳۶۱	 اسطوره دیونیزوس ایزد هنر نمایش (۱۳۷۲)
۳۷۳	 پست مدرنیسم و تراژدی‌های یونانی (۱۳۷۶)
۳۸۸	 نیچه و زایش تراژدی (۱۳۸۴)
۳۹۳	 پند آموزی از شکسپیرولوژی و معمای شکسپیر (۱۳۸۸)

فصل ششم: دیدگاه‌هایی پیرامون هنر نمایش شادیگانی (کمدی)

۴۰۹	 نکاتی پیرامون تعریف کمدی: قسمت اول (۱۳۷۱)
۴۱۹	 نکاتی پیرامون تعریف کمدی: قسمت دوم (۱۳۷۱)
۴۳۶	 کمدی: نمایشنامه‌ای آزادی‌بخش (۱۳۷۳)
۴۵۱	 رویکرد فکاهی و طنز در ادبیات نمایشی (۱۳۷۷)
۴۵۹	 پژوهشی در زمینه‌ی ادبیات نمایشی طنز آمیز: بخش اول (۱۳۷۶)

۴۶۲	 پژوهشی در زمینه‌ی ادبیات نمایشی طنز آمیز: بخش دوم
۴۶۷	 ویژگی‌های طنز و جنبه‌های اخلاقی و آموزشی آن: (۱۳۸۱)

فصل هفتم: نمایشگان از دیدگاه سبک‌شناسی

۴۷۵	 شخصیت‌ها، گونه‌ها و سبک‌های نمایشنامه‌های یوجین اونیل (۱۳۶۵)
۴۸۴	 طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) در ادبیات نمایشی (۱۳۶۷)
۴۹۸	 گزاره‌گرایی (اکسپرسیونیسم) در ادبیات نمایشی (۱۳۶۷)
۵۰۹	 شنایی با مکتب‌های ادبی-نمایشی از دوران کهن تا زمان معاصر (۱۳۶۸)
۵۲۷	 تحقیقی درباره تئاتر و تئاتر کارگری در جهان (۱۳۶۹)
۵۳۴	 وآوری و تجربه‌گرایی در تئاتر معاصر: نخست (۱۳۷۰)
۵۴۵	 وآوری و تجربه‌گرایی در تئاتر معاصر: دوم
۵۶۱	 نمایش معاصر؛ پیشتازی‌گرایی و تجربه‌باوری (۱۳۷۳)
۵۷۵	 ساخت و پرداخت فضا و حالت در هنر نمایش (۱۳۷۳)
۵۹۴	 زمینه‌گرایی (مینی‌مالیسم) در هنر نمایش (۱۳۸۱)

فصل هشتم: رویکردهای نقد ادبی-نمایشی در هنر نمایش

۶۱۷	 گاهی به اندیشه‌های هیپولیت تن و نقد جامعه‌شناختی ادبیات و هنر (۱۳۷۰)
۶۲۷	 وانشناسی و روانکاوی و نظریه‌های نقد ادبی-نمایشی (۱۳۷۱)
۶۵۰	 نقد در هنر نمایش (۱۳۷۱)
۶۵۵	 نگاه‌ها، آماج و نظریه‌های نقد در ادبیات نمایشی (۱۳۷۱)
۶۵۹	 ر جستجوی نقد و نقادی فرهیخته و دانشگاهی در نهاد تماشاگانی: تئاتر (۱۳۸۸)

فصل نهم: آموزشگری و نهاد تماشاگانی (نهاد تئاتری)

۶۶۷	 رگردانی تئاتر و پژوهش منابع و مراجع آن (۱۳۷۳)
۶۷۶	 روابط و ملاک‌ها و معیارهایی برای بررسی، ارزیابی و نقد هنر بازیگری و نقش‌آفرینی در هنر تئاتر (۱۳۷۴)
۶۸۲	 آموزش تئاتر در دانشگاه‌های تئاتری (۱۳۸۷)

فصل دهم: پیش درآمدهایی به چند کتاب پیرامون هنر نمایش

۶۹۱	 ری به تئاتر عربی (مقدمه‌یی بر کتاب: «جستارهایی در عالم نمایش معاصر عرب»)
-----	--

- نگاهی به قراردادها، و معرفی ریختارهای تئاتر ایران (مقدمه‌یی بر کتاب: «ریختارهای نمایش ایرانی») ۷۰۰
- چگونه نمایشنامه‌ی نوگانی - مدرن - را بخوانیم؟ (مقدمه‌یی بر کتاب: «چگونه نمایشنامه‌ی مدرن را بخوانیم؟») ۷۰۷
- آشنایی با پژوهش‌های مرجع - مآخذشناختی و دو نمونه‌ی آن (مقدمه‌یی بر کتاب‌های:
- «کارگاه نمایش از آغاز تا پایان: ۱۳۵۷-۱۳۴۸» و «تئاتر ایران در گذر زمان ۲: از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷») ۷۲۲
- مقدمه‌یی بر کتاب: «نمایشنامه نویسی در ایران از آغاز تا ۱۳۷۰» ۷۳۳
- آشنایی نوشتی بر فرهنگ‌نامه‌یی مرجع شناخت (مقدمه‌یی بر کتاب: «فرهنگ ادبیات نمایشی ایران از آغاز تا ۱۳۵۷») .. ۷۳۶
- مقدمه‌یی بر کتاب: «جریزهای نمایشی شاهنامه» ۷۴۸

پیوست

- پژوهشی در شعرهای پل الوار: شاعر فرانسوی (۱۳۵۸) ۷۷۹

به نام خدای هنر آفرین

چند دهه است که نام «دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی» با تئاتر دانشگاهی کشور عجین بوده است. به همین علت شاید بتوان در چند سطر حق مطلب را نسبت به ایشان ادا کرد و در خصوص همه جنبه های فعالیت حرفه ای و تاثیر این استاد گرانقدر بر تئاتر ایران سخن گفت.

برای من که افتخار شاگردی ایشان را داشته و دارم، مهمترین نکته در زندگی ایشان، تجسم بخشی حقیقی واژه معلمی است. چندین نسل از فارغ التحصیلان تئاتر در محضر ایشان تلمذ کرده و از او آموخته اند. بسیاری دیگر هم که مستقیماً در کلاسهای ایشان حاضر نبوده اند از ثمره دانش وی به صورتهای مختلف بهره برده اند.

شیوه برخورد محترمانه و فرهنگی ایشان با دانشجوها، بخشیدن انگیزه به آنها برای طی طریق و دقت مثال زدنی در تربیت شاگردان از جمله خصوصیات است که ردای معلمی را بر قامت ناظرزاده کرمانی به درستی نشانده است.

در دهه شصت و زمانی که تئاتر ما از فقدان منابع و مراجع علمی رنج می برد، اهتمام ایشان به تالیف و ترجمه آثاری ارزشمند باعث شد راهی جدید فراسوی محققین و مترجمان هنر نمایش گشوده شود و مشتاقان این هنر با آثاری فاخر آشنا شدند.

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی به عقیده من از آن دسته فرهیختگانی است که فخر جامعه فرهنگی و هنری کشور محسوب می شوند، مردی دیگر از قافله بزرگان این تمدن سترگ که باید قدرشان را دانست و از آنها الگویی برای نسل جوان ساخت.

خداوند بزرگ را شاکرم که تماشاخانه ایرانشهر توفیق آن را یافت تا به سهم خود از خدمات ارزنده این معلم توانا و انسان فرهیخته قدردانی کند. همچنین بسیار خرسندم که به بهانه این نکوداشت، کتاب ارزشمند مجموعه مقالات ایشان آماده و در اختیار علاقمندان قرار می گیرد.

برای دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی از خداوند متعال طول عمر همراه با سلامت و توفیقات بیش از پیش آرزو دارم.

سخن ناشر

چندچون و پیشینه‌ی گفتارها و جستارهای تماشاگانی بر زبان نشان‌گذار و کارآمد بوده‌اند و به آن تجربه، توان‌مندی، گنجایش و کارآمدی بخشیده‌اند. اما زبان فارسی، به رغم کهنی، پر پیشینگی، پر تجربگی، توان‌مندی، پرمایگی، ... و خم و چم‌پذیری هنوز در زمینه‌ی رسانش پیام‌های آموزش‌گرانه و پژوهش‌گرانه و نگارش‌های آفرینش‌گرانه، نیاز به گسترده‌دگی، ورزیدگی و گنجایش‌پذیری بیش‌تر و بهتری دارد و به‌ویژه در زمینه‌ی اصطلاح‌سازی و برابر‌سازی و فرهنگ اصطلاحات تئاتر (Dictionary of Theatre Terms)، چشم به کاری کارستان دوخته است. کمبود، نبود و کژبود گفتارها و پژوهش‌های دانش‌ورانه و روشمند در گفتمان تماشاگان دانشگاهی؛ پروفیسور فرهاد ناظرزاده‌کرمانی را بر آن داشته تا با تکاپوهای سخت، فرسوده‌ساز، رنج‌آمیز و عمرسوز، پویش‌جستن و یافتن زبانی ساده، گویا، دقیق و روان در مرز توان زبان فارسی و البته دانش‌ورانه و روشمند را برای بیان و توصیف جستارمایه‌ها، درسگفتارها و پرسمان‌های تماشاگانی برگزیند.

پروفیسور فرهاد ناظرزاده‌کرمانی تا امروز‌گار تألیف بیش از هفده کتاب درسی، بیش از پنجاه مقاله‌ی علمی- تخصصی، ترجمه‌ی بیش از پنجاه و پنج ابرنمایشنامه‌ی کوتاه و بلند خارجی و تصنیف بیش از بیست نمایشنامه‌ی کوتاه و بلند را در کارنامه‌ی پژوهشی خود یادگاشته (Record) است. ایشان چونان پدری دلسوز با فرانگری و در شمار‌آوری کمبود، نبود و کژبود واژگان تخصصی و اصطلاح‌شناسی تماشاگانی به ساخت و پرداخت واژگان تماشاگانی- که تماشاگان خود یکی از آنهاست- تکاپو ورزیده و نزدیک به ششصد واژه و اصطلاح و برابر نهاد نو و طرفه پدید آورده و به آموزش‌جویان هنرهای نمایشی، و از آن‌جا به زبان فارسی پیشنهاد، پیشکش و ارزانی نموده است. این واژگان نوساخته و پیشنهادی، برای نخستین بار از قلم استاد پدید آمده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را در فرهنگ‌های زبان فارسی بازجست. چند نمونه از برابر‌نهادها و نوواژه‌سازین‌های دانش‌ورانه و روشمند ایشان از این قرارند: تماشاگان (Theatre)، نمایشگان (Performance)، بن‌اندیشه (Theme, Meaning)

(Message)، ژرف‌پهنا، کارکنش، چالشگر و پادچالشگر (Protagonist and Antagonist)، برابرستیز، نقشه‌ی داستانی (Plot)، پیمایش (Phase)، پیچشکاری (Complication)، پیچشزدایی (Denouement)، بستار (Ending)، کارپرداخت بالاسوی (Rising action)، نهادمایه (Theme)، مانشگری (Imitation, Mimesis) و... هم‌چنین افزون بر ساخت و پرداخت واژگان، اصطلاح‌ها و برابر نهادها، استاد دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی در فصل سوم کتاب برتر دانشگاهی خود در آمدی به نمایشنامه‌شناسی به آماج و آهنگ و به آرمان شناسایی‌پذیری و پژوهش‌پذیری، هنر نمایش در ایران را نظریه‌پردازی و الگوسازی و ریختارسازی نموده است.

جای یادآوری است که ساخت و پرداخت ریختار (Form) یا الگو (Pattern) در زمینه‌ی پدیده‌ها و کارکنش‌های تماشگانی در ایران، بر بنیاد اصطلاح‌شناسی علمی و جهانی هنر نمایش، تا پیش از تکاپوهای دانشورانه و روشمند فرهاد ناظرزاده کرمانی در این راه، پیمینه‌ی سنجیده و کارآمدی نداشته و از این رهگذر، زمینه‌های نظری برای بررسی، پژوهش و نقد تماشاگان ایران، سنگ‌بناهای کلان و استواری نداشته است. نظریه‌پردازی‌های وی در این زمینه، و جستن و پیشنهاد نه ریختار تماشاگانی ایرانی و یافتن برابر نهادهای جهانی آنها- که به زبان انگلیسی آورده شده‌اند- تکاپویی نخستینی و بنیادین و مایه‌ی مباهات جامعه‌ی دانشگاهی تماشاگان ایران به‌شمار رفته است.

نه ریختار تماشاگانی ایرانی را ایشان به نگریستار خود چنین برشمرده و نام نهاده‌اند: ۱- نمایشگری‌های آیینی (Ritual Performances)، ۱-۱- رقص‌های سیماچه‌ای (Masked dances)، ۱-۲- آیین‌های آیت‌مندی (Supplication rituals)، ۲- نمایشگری‌های کاروانی (Processional performances)، کاروان‌های نمایشواره‌ای (Quasi-theatrical processions)، ۳- داستانگویی‌های نمایشگرانه (Dramatic storytelling, Theatrical storytelling) (نقالی‌ها، برخوانی‌ها، دست‌انگزارهای) و داستانگویی‌های نمایشگرانه‌ی خنثایی (Dramatic-musical storytelling)، رقص‌های روایتگرانه (Narrative dances)، ۱-۳- سوگگانی (Mourning, Lamentation)، ۲-۳- سورگانی (Festive, Merrymaking)، ۴- نمایشگری‌های میدانی (Street performance) و نمایش‌های گذرگاهی (Outdoor performance)، ۵- نمایش عروسکی، نمایش سایگانی (Shadow play) و خیمه‌شب‌بازی، ۶- خندستان‌های سنتی (Traditional farcical plays) (تقلید)، ۷- نمایش تعزیه یا نمایش سوگرنج‌های دین‌سروان (Passion plays)، ۸- تماشاگان باختری‌سان (Western influenced theatre)، تماشاگان غربی‌گونه، ۹- تماشاگان گزینش- در آمیزی (Eclectic theatre).

... چه جای سخن در وصف استاد که در توانش این قلم نخواهد بود...

چاپ و نشر کتاب حاضر که جنگی است از جستارهای پژوهشی استاد، بیش از هر چیز یادگار

روزهایی است گذشته و یادمان ایامی که فرا روی است. پاسداشت، درود و امتنان نگارنده پیشکش حضور پر مهر ایشان که بالیده‌گسترده‌گی عظیم فرهنگی و هنری زبان پارسی مردم ایران و احترام بیش از پیش به خردمایه‌ی دریافتگران گفتمان تماشاگانی، وامدار حضور سبزشان است. امید آن که هوده و فرآورده‌ی جستاره‌های پژوهشی و هم‌چنین نوآوری‌های واژگانی که با تکاپوهای سخت، عمرسوز، فرسوده‌ساز و رنج‌آمیز استاد فراهم آمده است چونان نوری رهنمای کاوش‌ها، جستارها و تکاپوهای اندیشمندان پژوهشگر باشد. چنین‌باد.

میرعلیرضا دریابیگی

هماره شاگردشان

مقدمه

آری ایران، آری دانشگاه، آری نمایشگاه

درآمدی بر نمایشگان: جنگی از جستارهای پژوهشی

آنچه به زبان‌های فرنگی «تئاتر» گفته شده، اصطلاح‌واژه‌یی است با معنی‌ها و مدلول‌های چندگانه که این نگارنده، «فرهاد ناظرزاده کرمانی» (مترجم، نمایشنامه‌نویس و استاد ادبیات نمایشی در دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی) در کتاب «درآمدی به نمایشنامه‌نویسی، چهار کتاب در یک مجلد»، به آن بیش‌تر پرداخته‌ام و هر معنی و مدلول را با آوردن مثالی، روشن نموده‌ام... در همان راستا، خاطر نشان می‌شود، دو «معنا-مدلول» اصطلاح‌واژه‌ی تئاتر، که از همه کلان، قانونی و گسترده‌ترند، عبارتند از: (۱) تئاتر در معنا-مدلول «نهادی» (AN INSTITUTION) اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی، تفریحی-فراغتی، آموزشی ... و البته هنری، و نگارنده برای این کلی، عمومی و فراگیرترین معنا-مدلول اصطلاح‌واژه‌ی تئاتر، برابر نهاد پارسی «تماشگان» (نهاد تئاتری = THEATRE INSTITUTION) را بر ساخته و در درازنای زمان، بیش و کم و گاه و بیگاه به کار برده است و (۲) «نمایشگان» (هنر تئاتر = DRAMATIC ART THEATRE) این اصطلاح‌واژه از دل اصطلاح‌واژه‌ی اول برآمده و بخشی کلان از آن است. دو اصطلاح‌واژه‌ی بر ساخته‌ی نگارنده فرهاد ناظرزاده کرمانی برای (تئاتر = THEATRE) که دارای معنا-مدلول‌های چندگانه است، نمونه‌وار یکی از آن‌ها به معنا-مدلول تماشاخانه (تئاتر شهر = تماشاخانه‌ی شهر)، ارزشمندی و کارآمدی بسیار دارند که یادآوری فشرده‌ی آن نیز در تنگ‌میدانی این درآمد نمی‌گنجد ...

باری، کلان‌ترین، قانونی‌ترین، گسترده‌ترین و فراگیرترین معنا-مدلول اصطلاح‌واژه‌ی فرنگی تئاتر، «نهاد تئاتری» (THEATRE INSTITUTION = «تماشگان») است، و «نمایشگان» نیز بخشی

از آن؛ نمایشگان به معنا-مدلول «هنر نمایش» (THEATRE ART=DRAMATIC ART) است که خود از دو بخش پدید آمد، (۱) «نمایشنامه» (PLAY=TEXT) و (۲) «نمایش» (=PERFORMANCE STAGING).

گفتنی است می‌توان از رهگذر (۱) مجاز کل به جز، و یا (۲) از رهگذر مجاز جز به کل، (۱) تماشاگران (تئاتر) را در معنا-مدلول نمایشگان (تئاتر)، (۲) و نمایشگان (تئاتر) را در معنا-مدلول نمایشگان (تئاتر) نیز به کار برد و در زبان‌های فرنگی به همی این معنا-مدلول‌ها، «تئاتر-با املاهای گوناگون» گفته شده و این خود بر پیچیدگی چند معنا-مدلولی، و رازآلودگی این اصطلاح‌واژه افزوده است، چنان‌که فراغت و دریافت معنا-مدلول ویژه‌ی نویسنده-گوینده از آن، در گرو و حوصله‌ی موضوعی است که اهل بلاغت (سخن‌شناسی) به آن، «قرینه‌ی صارفه» گفته‌اند. بگذریم یک راست به موضوع دوم می‌پردازیم.

«آموزش»، «پژوهش»، «آفرینش» در زمینه‌ی نمایشگان، به ویژه نمایشنامه، یعنی «ادبیات نمایشی» (DRAMATIC LITERATURE) و دقیق‌تر بنویسم، «نمایشنامه‌کاری» (دراماتورژی=DRAMATURGY) از سویی، و پایه‌گذاری، راه‌اندازی و مدیریت دوره‌های دانشگاهی این نهاد و هنر، تماشاگران و نمایشگان در دانشگاه‌های مهنه، «ایران»، بیش از سی سال بیش‌ترین و بزرگ‌ترین آماج و آرمانم بوده است: آری ایران، آری دانشگاه، آری، تماشاگان!

«دانته» شاعر ایمان‌گرای ایتالیایی، در نیمه راه سفر زندگی ناگهان خود را کم‌توشه یافته و در پناه «ویرژیل» و «بئاتریس» (پیرمغان و ساقی!) به سفری رویایی رفته، سفری در دوزخ، برزخ و آن‌گاه بهشت ... پیش از او به خواب آلودگان پنجاه ساله نهیب آورده است: «آی که پنجاه رفت و در خوابی ...». و دوستان، هم‌فکران و بیش‌تر دانشجویان پیشین من که خود هم اکنون استادانی زبده‌اند، به این کم‌ترین، هشدار داده‌اند ای که «شصت سال رفت و هنوز بسیاری از کارهای پژوهشی و آفرینشی‌ات را انتشار نداده‌ی؟! اینک ما یاری‌ات می‌دهیم، دست کم (۱) «نمایشگاه» و (۲) «گفتارهایی» که این‌جا و آن‌جا، در این نشریه و آن نشریه به چاپ رسانده‌ی در دو دفتر شیرازمند گردآوری نمایی: (۱) «نمایشگان: جنگی از جستارهای پژوهشی» و (۲) «نمایشگان: جنگی از گفتارها» ...

آن‌چه برابر دارید، دفتر نخست است که به راهنمایی و کارآمدی آقای دکتر مجید سرسنگی (مدیر عامل خانه‌ی هنرمندان و تماشاخانه‌ی ایرانشهر) و به مدیریت آقای امیرحسین حریری (معاون هنری تماشاخانه‌ی ایرانشهر) و آقای میرعلیرضا دریابیگی (مدیرمسئول انتشارات دریابیگی) و یآوری این همکاران فراهم آمده است:

یوسف باپیری، جواد نمکی، فرناز صالحی، نسترن عشرتی، مهدی صفاری‌نژاد و نسرین ابوالمعالی. بیش‌تر این‌جنگ نزدیک به هفتصد صفحه‌ی از نشریه‌هایی بیرون کشیده شده‌اند که این نگارنده پیش از سفرم به «فرانسه» و پژوهشگری در دانشگاه «استراسبورگ» (UNIVERSITE

(DE STRSBOURG) به همین آماج به دست آقای امیرحسین حریری سپردم، و در نبود من، همکاران پیش گفته آن را به اصطلاحی قدمایی به «زیور چاپ و انتشار» آراستند.

سفر پژوهشی من به فرانسه که در مهر ماه ۱۳۹۲ به احتمال به پایان می‌رسد، فرصت گرانبهایی بود که به کوشش همشهری مهربان و دانا خانم دکتر «مهدیه مفیدی» و پایمردی آقای دکتر «حسین بیک‌باغبان» و خانم دکتر «شهلا نصرت» همسر «آقای آلن ولف» (MONSIEUR ALAIN WOLFF) و نیز موافقت و امضای خانم دکتر «ایرنی ژاکوبرژه-تسامادو»، استاد و مدیر مؤسسه پژوهش‌های فرهنگ و زبان یونانی (MADAM LA PROFESSEUR DIRECTRICE: IRINI JACOBBERGER-TSAMADU) در همین دانشگاه فراهم آمد.

در این سفر و در مدتی که در فرانسه بودم، چند دوست یاریام دادند که آقای دکتر «ابوالقاسم کاخی» یکی از آنان است و دکتر «حسین شمس» این معلم راستین و همیشگی‌ام، نمونه‌یی دیگر. من از استاد شمس نکته‌هایی را آموختم که از هیچ کس دیگر هرگز!

باری، در این فرصت پژوهشی صفحه‌های دو کتابی را کامل کردم که یادداشت‌برداری برای تألیف آن‌ها را از دهه‌ی ۱۳۶۰ آغازیده بودم. اولی «ایمان گرایی در ادبیات نمایشی» و دومی «فرا-واقعیت گرایی - سورئالیسم در ادبیات نمایشی» بوده است. کتاب اول به همت آقایان دکتر «اردشیر صالح‌پور» و «علی مودنی» در سال ۱۳۹۲ یا حداکثر ۱۳۹۳ به چاپ می‌رسد و کتاب دوم، ...؟ بهتر است درباره‌ی انتشار آن تاریخی ذکر نکنم.

امیدوارم دفتر دوم این جنگ نیز که نشریه‌های مرجع آن در اختیار همین یاوران جنگ نخست است، به زودی انتشار یابد؛ دفتر دوم «جنگی از گفتارها و در بردارنده‌ی سخنرانی‌ها و گفتگوها و دیدگاه‌گویی‌های نگارنده» از دهه‌ی ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ می‌باشد، و بیش‌تر آن‌ها نیز پیرامون نمایشنامه‌کاری (دراماتوری = DRAMATURGY).

باری، نوشتارها و گفتارهای اینجانب در چهارچوب گنجایش‌ها و توانش‌های نگارنده، بسته، ناچیز، گرفتار پُرلغزش مانده‌اند. اما به این آماج و آرمان نوشته و گفته شده‌اند که خوانندگان و شنوندگان یا به سخنی فشرده‌تر، «نیوشندگان» خود را که بیش‌تر آموزش‌جویان تماشاگانی (تئاتری) بوده‌اند، به خواندن و شنیدن بیش‌تر، گسترده‌تر و ژرف‌تر فراخوانند و آنان را برانگیزانند تا از این رهگذر، به فراخور پشتوانه‌یی از این دست، نهاد پژوهش‌ها و آفرینش‌های تماشاگانی (تئاتری) در ایران، به ویژه در دانشگاه‌ها را، بیش‌تر، گسترده‌تر و ژرف‌تر گردانند. روشن و همزمان شاید شگفت‌انگیزتر این است که بدانیم به شهادت کتاب‌های تاریخ، پیوسته توانش‌ها و گنجایش تماشاگانی هر حوزه‌ی جغرافیایی - فرهنگی، به اندازه و به فراخور نهادهای آموزشی - پژوهشی آن بوده است، و توانش‌ها و گنجایش‌های نهادهای آموزشی و پژوهشی آن، به اندازه و فراخور توانش‌ها و گنجایش‌های دست به کاران یا به اصطلاح اهالی و تماشاگانی‌های آن‌ها، و توانش‌ها و گنجایش‌های اهالی و تماشاگانی‌های هر حوزه‌ی

جغرافیایی-فرهنگی، به اندازه و فراخور توانش‌ها و گنجایش‌های نهادهای آموزشی-پژوهشی آن‌ها! به سخن دیگر، این سه اقلیم، یا سه اقنوم، (۱) سرزمین (حوزه‌ی جغرافیایی-فرهنگی) (۲) نهادهای آموزشی-پژوهشی (نمونه‌وار دانشگاه‌ها)، (۳) تماشاگانی‌ها (دست به کاران و اهالی این نهاد)، هر کدام به اندازه و فراخور توانش‌ها و گنجایش‌های دو اقلیم یا اقنوم دیگر پدید آمده‌اند و بالیده گسترده می‌شده‌اند و از این قرار، فراز و فرود، بیش و کمی بلندی و پستی، ... والایی و گزاف‌سنگی هر کدام از آن‌ها، در گروی دو تایی دیگر بوده است. و این چرخه‌ی وابستگی و کنش‌واکنش میان سه اقلیم یا سه اقنوم و بستگی هر اقلیم و اقنوم به دو دیگر، نکته‌ی است هستی‌ساز که پیوسته باید بر آن درنگ و باریک بینی شود. به طوری که می‌توان گفت «هر کو نکند فهمی» پیرامون این سه اقلیم و اقنوم و وابستگی و هم‌بستگی آن‌ها با هم، «نقشش به حرام» خواهد بود ...!

به هر جهت، نوشتار و شاید گفتارهای اینجانب را می‌توان به دو بخش: (۱) «پژوهشگرانه»، (۲) «آفرینشگرانه» بخش‌بندی نمود. نوشتارها و گفتارهای پژوهشگرانه بیش‌تر روشنگری پیرامون جستارهای نمایشگانی، به ویژه ادبیات نمایشی و نمایشنامه‌کاری (دراماتورژی)‌اند؛ و نوشتارهای آفرینشگرانه‌ام، خود در دو بخش گنجانده‌اند: (۱) ترجمه‌ی نمایشنامه‌ها به زبان پارسی، (۲) تصنیف نمایشنامه، این نگارنده تا این زمان افزون بر «جستاره‌های پژوهشی» و دفتر دیگر آن «گفتارهای نمایشگانی»، نزدیک به سی کتاب تألیف نموده که بیش از دوازده‌تایی آن هنوز انتشار نیافته؛ نگارنده بیش از ۶۰ نمایشنامه از زبان‌های بیگانه به زبان پارسی برگردانده که شاید هنوز بیش از بیست و چندتایی آن هنوز به چاپ نرسیده، و نزدیک به بیست نمایشنامه تصنیف نموده که بیش از پنج‌تایی آن به نشر نرفته است، و سال به شصت و چند سالگی رسیدم ...؟! هر چند که بسیاری از همه‌ی این آثار، دست‌کم به صورت دست‌نویس، در اختیار تماشاگانی‌های دوست و همکار ورق می‌خورند. با چاپ و انتشار این دو دفتر گام‌های نخستین که به روال سخت‌ترین اما پویاترین آغاز راه و کارند، به یآوری همگی آنانی که نام بردم، برداشته شده‌اند، و اینجانب به آن آماج و آرمانی که پیوسته خواستارش بودم و گمان می‌کنم همه‌ی ما تماشاگانی‌ها باید خواستارش باشیم، به اندازه و فراخور خود، نزدیک‌تر شده‌ام.

بی این سه آماج و آرمان ما کجا هستیم و چه خواهیم بود؟ پس آنگاه: آری ایران، آری دانشگاه و آری تماشاگان!

فرانسه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۲ (۲۰ ژوئن ۲۰۱۳)

فرهاد ناظرزاده‌کرمانی